

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

پویان
۲۳ اپریل ۲۰۲۱

پیرامون سؤال مستنطق "خاد" و پاسخ "نادر علی پویا"

تذکر:

از زمانی که سؤال و جواب مستنطق دستگاه شکنجه و کشتار "خاد" با "نادر علی پویا" مبارز سامانی زندانی به بیرون درز کرد، بسیاری ها، از جمله لیبرال های بدخواه "ساما" و معاند اندیشه پیشرو "ساما" که زنده یاد "قیوم رهبر" و سامانی های اصولی و قاطع، اندیشه انحرافی - لیبرالیسم - آنان را با منطق کوبنده انقلابی از موضع "اندیشه پیشرو عصر" به طور منطقی رد کرده و همراه خود آنان به زباله دان تاریخ ریختند، به منظور "حسن استفاده" از این سؤال و جواب و با نیت تخریبی و اغتشاش آفرینی در مورد شالوده های فکری و کاراکتر طبقاتی "ساما"، خواستند در چند نوبت از آن بهره برداری سوء کنند. این سؤال و جواب را اخیراً افراد مجهول الهویه ای با اسامی مستعار که نه اشتراک فکری - آرمانی با "مجید" و "پویا"، نه تمسکی به اندیشه پیشرو "ساما" و نه تعلق تشکیلاتی یا مبارزاتی در حد عضو یا هوادار با سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) دارند، و از روی صفحات شان معلوم می شود که گرایش تسلیم طلبانه و انحرافی دارند، به منظور سوء استفاده در فیس بوک باز نشر کرده اند.

بیشتر خوانندگان جوان و بی اطلاع از جزئیات و جوانب و ظرافت های مربوط به آن سؤال و جواب، با مشاهده ظاهر مسأله، از عمق موضوع سر در نمی آورند. بناءً، خیلی ممکن است در زمینه دچار توهم و یا اغتشاش شوند. از جانب دیگر، ابهام موجود در پاسخ های "پویا" به مستنطق، زمینه اغتشاش آفرینی، فتنه انگیزی و سوء استفاده فرصت طلبان لیبرال و قافیه باف کمین کرده در دو سوی مسیر حرکت "ساما" را مساعد می سازد. با توجه به این دو نکته، خواستم این مسأله را اندکی باز کنم:

اول آن پرسش و پاسخ را به طور امانتدارانه و با اصلاح اغلاط تاپیی آن، می آورم تا همه خوانندگان محترم این سطور مجال مطالعه آن را قبل از توضیح من، داشته باشند.

سؤال مستنطق:

"محترم نادر علی!"

آیا حاضر هستید با رعایت پروسه تحقیق در صورتی که از اعمال گذشته خویش پشیمان باشید، جنایت و اعمال باند "ساما" و اندیشه انحرافی مانو را به اطلاع عام از طریق اطلاعات جمعی می رسانید یا چطور؟ در زمینه تصمیم خویش را اعلام دارید؟

امضاء مستنطق"

جواب نادر علی پویا:

"محترماً!

سرنوشت من به ترتیبی بوده که عضو سازمان آزادیبخش مردم افغانستان شوم. برای مردی در موقعیت من، شرم آمیز خواهد بود اگر عضویت خود را ناشی از اشتباه انتخاب و تصادف نامیمون بدانم. به اساس تمهید بالا، از عضویت و سهم گیری خود، درحد توان، در "ساما" پشیمان و نادم نمی باشم. تا جایی که به من معلوم است "ساما"، از جمله خودم، با اندیشه مانو کدام تعلق خاطر و گرایش متعهدانه ندارم." ختم پرسش و پاسخ.

دو احتمال:

احتمال اول:- قبل از همه باید گفت که اصالت این سوال و جواب، ثبوت نشده و محل تردید دارد. زیرا از نظر حقوقی، اظهاریه ثبوت ناشده منسوب به فردی پس از مرگش بدون سند، مدرک عینی و شهود زنده، سندیت ندارد، ولو که بهترین بیان باشد. مخصوصاً این که نادر علی پویا آن مرد آهنین "ساما" در عین تمثیل غرور حماسی مجید، سازمانش و خلق آزادیخواه و به پا ایستاده کشورش علیه اشغالگران روسی و جلادان "خلقی - پرچمی"، شکنجه گر و مستنطق خود را با الفاظی مثل "محترماً" خطاب نمی کرد. نه، این لفظ در قالب فکری این عقاب بلند پرواز که می دانست جاودانه می شود، نمی گنجید که زاغ و زغن لجن خوار خادیست را با واژه "محترماً" خطاب کند.

احتمال دوم:- اگر بر فرض محال، اصالت این سوال و جواب میان مستنطق و نادر علی پویا را بپذیریم، با توجه به شناخت پویا به مثابه فرد سیاسی مجرب انقلابی، دارای شَم سیاسی و آشنا و آگاه بر اصول پنهانکاری و مبارزه با پولیس سیاسی، می توان موارد زیرین را نگاشت:

نادر علی پویا زندانی برجسته سامائی در حالی اسیر دشمن غدار بود و تحقیق می داد که صد ها رزمنده و کادر سامائی در زندان مرکزی و سائر زندان ها و شکنجه گاه های رژیم مزدور و جلاد "پرچمی - خلقی" مراحل مختلف تحقیق و حبس خود را می گذشتاندند و هزاران دیگر در ارتباط با "ساما" در سنگر های گرم نبرد آزادیبخش ضد تجاوز روس اشغالگر سرگرم مبارزه بودند. برای نادر علی پویا در جایگاه رهبر زندانی "ساما" در آن مقطع، نه منطقی بود، نه مسؤولانه و نه هم با صرفه که با دادن پاسخ مثبت به چنین سؤالی و قبول اتهام واهی و دروغین خاد مثل "جنایت و اعمال باند «ساما»"، رفقای زندانی خود را به کشتن داده و جرم سامائی های زندانی آن زمان و زندانیان بعدی سامائی را سنگین سازد.

"نادر علی پویا" مثل "تازه اندیشان" و دیگر لیبرال ها، منافق، دروغ گوی و دور روی نبود. "پویا" با شتافتن به پیشواز مرگ و ترجیح مرگ شرافتمندانه بر اجابت خواست مستنطق برای ابراز "پشیمانی" از راه "ساما" و پذیرش اتهامات واهی شکنجه گران و جلادان خودش، رفقایش و خلق آزادیخواهش، نشان داد که بر سر تعهدش با مجید و سائر بنیانگذاران و رزمندگان "ساما" و با خلق به پاخاسته افغانستان وفادار بود.

آن طور که نادر علی پویا خطاب به مستنطق در استعلام تحقیق نوشت، "برای مردی در موقعیت پویا، شرم آمیز... [می] بود، اگر عضویت خود را ناشی از اشتباه انتخاب و تصادف نامیمون" می دانست، زیرا ایجاد "ساما" و اشتراک "پویا" در رهبری آن، نه "اشتباه انتخاب"، نه "تصادف" میمون و یا "نامیمون"، بلکه ایجاد "ساما" و سهمگیری "پویا" در ایجاد و رهبری آن، "حسن انتخاب" و ضرورتی بود انصراف ناپذیر در آن مقطع تاریخ کشور آبائی ما افغانستان. وجود سه پیش شرط دقیق ایدئولوژیک و سه پیش شرط دقیق سیاسی برای ایجاد "ساما" هنگام ایجادش و در صدر همه، "اندیشه پیشرو عصر" که به تصویب یازده تن بنیانگذار "ساما" بدون استثناء به شمول "نادر علی پویا" رسیده بود، همان قدر انصراف ناپذیر و مهم بود، که خود "ساما". این حقیقتی است آشکار و درخشان که هیچ شیا لیبیرال و تسلیم طلب و چپ نمایان کاذب بی عمل و خادم اشغالگران نمی توانند آن را کتمان کنند. فقط همین ویژگی اندیشه ئی بود که برانزنگی و تفاوت کیفی "ساما" را بر سائر تشکل های مبارزاتی ملی - دموکراتیک تضمین می کرد و خصلت توده ئی و عملورزی در پیوند با اندیشه و آرمان انقلابی بود که "ساما" و سامانی ها را صدر نشین جنبش انقلابی کشور ساخت. "نادر علی پویا" در دو نوبت به خط ایدئولوژیک - سیاسی که توسط رفیق "مجید" سنتیز و مطرح شد، بار اول در کنفرانس مؤسس "ساما" در سرطان ۱۳۵۸ش و بار دوم در جوزای ۱۳۵۹ش هنگام تصویب برنامه آن سازمان در اولین کنگره اش پس از زندانی شدن رفیق "مجید"، رأی داده و آن خط را تصویب کرده بود. و آن حقیقتی غیرقابل کتمان بود و سامانی ها به خوبی می دانستند و خلاف آن نمی توانست به کرسی بنشینند. ایستادن علیه خط ایدئولوژیک - سیاسی سنتیز شده توسط بانی "ساما" رفیق "مجید" و مطرح شده در برنامه حد اقل این سازمان در کنگره نخستین آن که بهترین های این سازمان در راه تحققش - رهائی ملی و تاریخی خلق افغانستان - آگاهانه و ایثارگرانه در میدان و زندان سربازی کردند، توسط هر کسی صرف نظر از مقام و منزلتش، در حکم سر به صخره کوبیدن و سرشکستگی بوده و اکنون نیز، چنانچه فردا، چنین خواهد بود.

نتیجه:

هر بار پس از وارد شدن ضربتی بر پیکر "ساما" و یا تحمل شکستی در این یا آن عرصه مبارزه توسط این سازمان، فرصت طلبان "چپ" و راست مسیرت انقلاب، دشمنان فکری - طبقاتی "ساما"، امپریالیست ها و مرتجعان با طمع خام مترصد بوده اند تا به اصطلاح از این نم، گوشه ای را ببرند و سپس ادعای مالکیت و وراثت کنند. اما به رغم این نیت و تلاش و سیواتژ خصمانه و دستبرد رهنانه، نه استعمار و جلادان مرتجع و خودفروخته "خلقی - پرچمی" و اخوانی، نه تسلیم طلبان ملی و طبقاتی و نه هم لیبرال های کهن و نوین، از این شیدای و منافقت شان در حق "ساما" طرفی نبستند. من بعد نیز چنین تلاش های عمدی برای اغتشاش آفرینی و ایجاد شبهات در مورد سیمای راستین "ساما" و هویت فکری شخصیت های آن، تلاش عبثی خواهد بود که با برخورد به صخره واقعبیت وجودی "ساما"، پاشان خواهد شد.

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان تاریخ خونبار و پر از مد و جذر مبارزاتی ۴۲ ساله حاوی دستاورد ها و شکست ها و درون ستیزی فکری - سیاسی در محور مبارزه دو خط را دارد. "ساما" ایثار و جانبازی بی همتای بهترین و آگاه ترین انقلابیون سامانی را در کارنامه پرافتخار مبارزاتی خود دارد. این تاریخ چهار دهه و اند به تکرار نشان داده است، که پس از هر ضربتی، شکستی یا انحرافی مقطعی و پاکشدن افراد معینی از مسیر مبارزه، سامانی های ادامه کار برای حل مشکل پیش آمده به طور جمعی چاره جوئی کرده و با برافراشتن درفش خونرنگ "ساما"، سنگر "نبرد مجید" را در راه رفع ستم و استثمار فروزان نگه داشته اند. این ویژگی "ساما" یعنی درنگ نپذیرفتن کاروان به رغم تغییر کاروان سالاران. اندر این راه، "ساما" بدون توجه به از پای ماندن و بی باوری عده ای و به رغم شکست و

ریخت ناگزیر و طبیعی در نبرد نابرابر با سوپر استعمارگر و ابرقدرت زمان و جلادانش و با اذعان به جنر و مد پی هم در مسیرت ماریچی انقلاب و آزادی؛ مصممانه، آگاهانه و آینده نگرانه همگام با زمان در مسیر ترسیم شده با خون یاران رفته ره می پوید و به پیش می تازد.